جایگاه زن در انقلاب مشروطیت

نوشته:

مریم فتحی

مجموعه تاریخ (۴)

انجمن پژوهشگران تاریخ زنان

بسم الله الرحمن الرحيم

جایگاه زن در انقلاب مشروطیت

مریم فتحی

● جایگاه زن در انقلاب مشروطیت
● نوشتهٔ مریم فتحی
● انجمن زنان پژوهشگر تاریخ
● تهران، مهر ۱۳۷۹
● حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی هنری نقش سیمرغ

به نام حضرت دوست

منّت خدای را عزّ و جلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت

سپاس خدای را که به ما این فرصت را داد تا در خدمت تـاریخ‌دوستان گـامی هـر چـند کـوچک بـرداریـم و دِیـن خــویش را بـه فـرهنگ ایـرانـی اسـلامی و صـاحبان ایـن فرهنگ دیرینه و درخشان با حرکتی که آغاز کرده‌ایم ادا نماییم.

با تاریخ آغاز کرده‌ایم که به قول مؤلف «روضة الصـفا» آگاهی از آن، سبب زیادی عقل و وفور فضل و صحت رأی و تـدبیر مـی‌گردد. خـوشحالیم کـه در مـدتی نـه چـندان طولانی موفق به تحقق اهدافی شده‌ایم که انتشار مقالات و پژوهشهای تاریخی یکی از آنهاست و پیش از نشر کتاب و آثار بلند، اقدام به چاپ مقالات کوتاه تاریخی کردیم که امکان مطالعه و بـهره‌برداری از آن در عـصر ارتـباطات و رایانه وقت کمی از علاقمندان را بگیرد و انشاءالله بهره‌ای کافی برساند.

انجمن زنان پژوهشگر تاریخ

جایگاه زن در انقلاب مشروطیت

در تحلیل دوره‌های تاریخی، مشروطیت آغازگر دورانی است که تأثیرات عمیقی در تاریخ ایران به جای گذاشته است و به تعبیری مبدأ تاریخ معاصر ایران به حساب می‌آید.

نقش زن در حرکت‌های یکصد سالهٔ اخیر و خصوصاً مشروطه، از مباحث مهمی است که در پژوهشهای جدید تاریخی، جایگاه ویژه‌ای یافته است.

زنان نیمی از جمعیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند، ولی در منابع و مآخذ تاریخی، تأثیری نیمه بر تحولات اجتماعی یا نادیده گرفته شده و یا بهایی کمتر از ارزش واقعی آن یافته است. اما در جریان مشروطیت با تأمل بیشتر می‌توان اثرات ارزشمند فعالیتهای سیاسی - اجتماعی و فرهنگی اقدامات زنان را به وضوح مشاهده کرد.

تـــحول فکـــری، فـرهنگی زن ایـرانـی در جـریان مشـروطیت تـا حـدودی نـاشی از قـرار گـرفتن ایـران در گردونهٔ روابط بین‌المللی از اوایل دورهٔ قاجاریه است. پس از ایـجاد چـنین شـرایـطی بـرخـی از فـرهیختگان و دولتمردان ایرانی در مقایسهٔ وضعیت زنان ایرانی و زنـان اروپـایی، گـاه بـا ارزیـابی‌های شـتابزده و جـانبدارانـه بـه نکـوهش زنـان ایـرانـی پـرداخـتند، تـا جـایی کـه مـیرزا ابـوالحسـن‌خان ایـلچی شـیرازی، زن ایـرانـی را مسـتورهٔ چشم بسته‌ای، همچونِ مرغی در قفس معرفی کرده[1] و تیمور مـیرزا یک زن انگـلیسی را بـرابـر بـا ده زن ایـرانـی دانسته است.[2]

تاج‌السلطنه دختر ناصرالدینشاه هم که بـر ریشـه‌یابی عقب‌ماندگی زنان پرداخته، علت را در بیسوادی آنها یافته است.[3] «کارلا سرنا» سیاح اروپایی نیز به این نکته توجه کرده و چنین نوشته است: «***در اندرون زنها کم می‌نویسند و کم کتاب می‌خوانند، کتاب و قلمدان جای خود را به وسایل دیگری از قبیل آینه و سرمه‌دان داده است.***[4]»

بی‌بی خانم استرآبادی که از زنان درس خوانده و آشنا به فـرهنگ اصـیل ایـرانـی است، ضـمن آنکـه از وضـعیت اسفبار زنان انتقاد می‌کند، برای دفاع از حیثیت آنان وارد عرصه می‌شود و در پاسخ به نویسندهٔ «تأدیب النسوان» که به تحقیر زن پرداخته، در کتاب «معایب الرجال» از زنـان

برجستهٔ ادیان گوناگون نام می‌برد و نتیجه می‌گیرد: «فضیلت به انسانیت است، نه به مرد یا زن بودن»[۵]

در پی چنین جریاناتی است که زنان در جنبش تنباکو،[۶] شورش قحطی ۱۲۷۷ هـ.ق.[۷]، شورش ۱۳۱۲ هـ.ق. تبریز[۸]، حضوری فعال و پررنگ می‌یابند و در تحولات مشروطیت زنان دوشادوش مردان به مبارزه بر می‌خیزند.

در منابع متعدد، اشاره‌های فراوانی به حضور فعال زنان در مبارزه برای تحقق اهداف مشروطه شده است. مثلاً گفته‌اند که در جریان مهاجرت صغری زنان با شرکت در تظاهرات خیابانی خواهان، بازگشت علما می‌شدند[۹] و عمهٔ میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل را یکی از انجمن‌های سری، مأمور رساندن نامه‌ای تهدیدآمیز به شاه کرده بود.[۱۰]

گروهی دیگر از زنان به سرکردگی زن مشهور به «زن حیدرخان تبریزی» مراقبت و حفاظت از جان علمای مشروطه‌خواهی را که بر منابر سخنرانی می‌کردند، بر عهده داشتند.[۱۱]

با پیروزی مشروطه‌خواهان زنان از پای ننشستند و با ارسال تلگرافهای متعدد از تهران و تبریز، خواهان تسریع تصویب قانون اساسی شدند.[۱۲] گرچه در قانون اساسی مشروطیت کوچکترین حقی، چه از لحاظ انتخاب کردن و

چه از لحاظ انتخاب شدن برای آنان در نظر گرفته نشد.(۱۳) با این حال زنان از حمایت مجلس دست برنداشتند و در شرایطی که برای تشکیل بانک ملی، سرمایه کافی نبود، و زمزمهٔ گرفتن وام از روسیه یا انگلستان از گوشه و کنار شنیده می‌شد، زنان با فروش زینت آلات خود به این طرح ملی یاری رساندند.(۱۴) برای نمونه یکی از بانوان قزوین نامه‌ای به سعدالدوله نوشت و اعلام کرد: ***«این کمیته مقداری ناقابل از زیورآلات خودم را که برای ایام سخت ذخیره کرده بودم فقط برای افتخار به توسط حضرت مستطاب عالی به جهت بانک ملی فرستادم. از حضور عالی عاجرانه استدعا دارم که هدیهٔ مختصر کمیته را با نظر بلند خودتان دیده، بفرمایید اشیاء مرسوله را اعضای محترم بانک ملی به امانت و شرافت خودشان فروخته و هر چه قیمت آنها شد، سند سهام بانک برای کمیته روانه فرمایید. چه کنم که زیاده از این قادر نبودم، مگر جان خودم را در موقع، فدای ترقی وطن عزیز بنمایم...»***(۱۵)

حرکت‌های مشارکت‌جویانهٔ زنان مورد ستایش روزنامه‌ها قرار گرفت و در کنار آن اقدامات مردان توانگری که سرمایهٔ خود را به بانکهای اروپایی منتقل ساخته بودند و نسبت به مسائل اجتماعی ایران بی‌اعتنا بودند با عناوینی چون «چه مردی بود کز زنی کم بود»،(۱۶) مورد انتقاد قرار گرفت.(۱۷)

در جنگهای مشروطه‌خواهان تبریز با قوای محمدعلیشاه، زنان علاوه بر کمکهایی که در پشت جبهه می‌کردند، با لباس مردانه در میدان جنگ نیز حاضر شدند.(۱۸)

بعد از فتح تهران و تشکیل مجلس دوم شورای ملی، و در جریان اولتیماتوم روسیه به ایران نیز زنان حضوری جدی و فعال داشتند، عملکرد زنان را «مورگان شوستر» این‌چنین توصیف می‌کند: «زمانی که شایعه تسلیم نمایندگان مجلس ملی در مقابل خواسته‌های روس قوت پیدا کرد، این سؤال پیش آمد که چه کار می‌توان انجام داد تا جلوی این حقارت را گرفت، زنان ایران پاسخ دادند: آنها از درون خانه و حرمسرها، سیصد زن به طرف خیابانها راهپیمایی کردند ... در حالی که بسیاری از آنها تپانچه زیر دامن و یا در آستین‌هایشان حمل می‌کردند ... مستقیماً به طرف مجلس رفته و در آن جا اجتماع کردند. از رئیس مجلس خواستند تا به آنها اجازه ورود دهد ... در مقابلش ایستادند ... تپانچه‌ها را با تهدید مقابل او گرفتند، روبنده‌هایشان را کنار زدند و تهدید کردند که اگر نمایندگان کوتاهی کنند و آزادی و استقلال ایران و مردم آن را به بیگانگان بدهند پسرها و شوهرانشان را خواهند کشت و سپس خود را خواهند کشت.(۱۹)

علاوه بر حضور در عرصه‌های سیاسی و نظامی، زنان

فعالیتهای نوینی را در ابعادگوناگون فرهنگی شکل دادند، که در جامعه تأثیر عمیق‌تر و پایاتری داشت. از جمله این اقدامات تأسیس مدارس نسوان، تشکیل انجمن‌ها و انتشار روزنامه بود.

روزنامه‌ها و مجلات این دوره پر است از نامه‌ها و مقالاتی، دربارهٔ ضرورت تحصیل دختران و درددل زنان و دخترانی که در وادی حسرت دوری از تحصیل و تعلم به سر می‌بردند.[۲۰] «***در سال ۱۲۸۵ هـ.ش. در ضمن برگزاری یک گردهمایی بزرگ در تهران زنان قطعنامه‌ای راکه شامل دو بند بود، تصویب کردند، بند اول بر تأسیس مدارس زنانه تأکید داشت و بند دوم خواستار حذف جهیزیه سنگین برای دختران بود. و چنین استدلال می‌کرد که بهتر است پولی که صرف تدارک جهیزیه می‌شود، در راه آموزش دختران هزینه شود.***»[۲۱] بعد از سه سال پنجاه مدرسهٔ دخترانه در تهران تأسیس شد.[۲۲]

اولین مدرسهٔ دخترانه همزمان با برقراری مشروطیت با نام «دوشیزگان» و به مدیریت بی‌بی خانم وزیر اف یکی از زنان روشن‌فکر زمان شروع به کار کرد.[۲۳] در مدرسهٔ «ناموس» با مدیریت طوبی‌آزموده نیز که در سال ۱۲۸۶ هـ.ش. تأسیس شد، علاوه بر دروس مختلف، قرآن هم تدریس می‌شد و مجالس روضه‌خوانی نیز برقرار بود.[۲۴]

از نکات جالب مربوط به این مدارس، لوایح و

سخنرانی‌هایی است که در ضمن امتحانات یا به مناسبت‌های گوناگون معلمان و دانش‌آموزان در فواید آموزش زنان و اثرات مثبت علم‌آموزی آنان، ایراد می‌کردند.[(۲۵)]

در یکی از این خطابه‌ها که در مدرسهٔ ناموس ایراد شد، آمده است: **«به حمدالله مجاهدین غیور با غیرت و همت دست ظلم مستبد و دانشمندان و معارف پروران به قوت انتشار علم، حیات ایران را سبب می‌گردند. بلی کار مقدسی که مجاهدین به جنگ شروع کردند، معلمین و معلمات به صلح خواهند داد. و ریشهٔ استبداد که در ایرانیان جایگیر شده بود، به قوت تعمیم معارف پراکنده خواهد شد. و از این حیث مدارس اناث را از مدارس ذکور اثر و اهمیت بیش است. زیرا این مدارس مادرانی تربیت می‌کند که در دامان آنها مردان غیرتمند و وطن‌پرست پرورش خواهد یافت».**[(۲۶)]

زنان در کنار تحصیل علم در مدارس **«همچنین در جنبش حمایت از کالای بومی و علم خرید منسوجات وارد شده اروپایی مشارکت کردند. این اقدام زنان به جنبش زنان هندی می‌مانست که در همین دوره، کالاهای انگلیسی را تحریم کرده بودند. این اعتقاد در ایران وجود داشت که تحریم منسوجات اروپایی، ملت را از وابستگی به مولدان و سوداگران اروپایی رها خواهد ساخت. بنابراین،**

دانش‌آموزان مدارس با غرور به پوشیدن لباس‌های بومی همت گماردند و زنان در تبریز طی اجتماعی، ضمن تحریم کالای بیگانه از مردم خواستند که برای مدتی لباس‌های کهنه خود را بپوشند و امیدوارانه به تولید منسوجات داخلی چشم بدوزند.»[۲۷]

انجمن‌ها و محافل سیاسی، اجتماعی زنان نیز، از دیگر عرصه‌های حضور جدی زنان در عصر مشروطه بود. صرف‌نظر از دیدگاهها و وابستگی‌هایی که برخی از این محافل به گروهها و محافل فکری وابسته زمان خود داشتند، در کل چنین تشکیلاتی در امر مشارکت زنان، بروز توانمندیها و ارائه نظریات زنان تحصیلکرده آن روزگار، جایگاه ویژه‌ای داشت. از این انجمن‌ها می‌توان به «انجمن آزادی زنان»[۲۸] «انجمن مخدرات وطن»[۲۹] «اتحادیه غیبی نسوان»[۳۰] «کمیته زنان»[۳۱] در تبریز و «انجمن شکوفه»[۳۲] اشاره کرد.

در بیان گستردگی اقدامات این انجمن‌ها و بازتاب فعالیت آنها در جامعه همان بس که بخشی از مذاکرات مجلس اول شورای ملی به این امر اختصاص یافت.[۳۳]

«در مارس ۱۳۲۶ هـ ق ۱۹۰۸ یکی از نمایندگان بلیطی را به مجلس ارائه کرد که نام انجمن نسوان روی آن نوشته شده بود. نماینده مزبور این پرسش را پیش کشید که آیا تشکیل چنین انجمنی منطبق با قانون شرع

است؟ دهخدا می‌نویسد که زنان قبلاً چندین درخواست به مجلس و کابینه تقدیم کرده بودند و خواستار صدور مجوز برای تأسیس انجمن و مدرسه دخترانه شده بودند. اما شماری از نمایندگان از بحث دربارهٔ این موضوعات خودداری کردند و گفتند اینها مسائلی نیست که قابل طرح در مجلس باشد. مجلسیان همچنان گفتند که وزارت کشور باید دخالت کند و انجمن‌های زنان را ببندد. اما برخی از نمایندگان آزادی‌خواه نیز وجود داشتند که نسبت به تقاضای زنان حمایتی احتیاط‌آمیز به عمل آوردند. از جمله اینها یکی «وکیل‌الرعایا» بود که پرسید اگر شماری از زنان، سازمانی پدید آورند و از یکدیگر چیزی بیاموزند، این امر چه خطری برای کشور دارد؟ از نظر او این انجمن‌ها تا زمانی که علیه دین و کشور سخنی نگویند با قانون اسلام مغایرتی ندارند...»(۳۴)

از جمله اقدامات این انجمن‌ها انتقاد به عملکرد نمایندگان مجلس و نداشتن برنامه‌های مشخص برای ادارهٔ جامعه بود. در این زمینه مطلبی در روزنامهٔ «ندای وطن» نگاشته شده که بسیار جالب است. نویسندهٔ مقاله که آن را با عنوان «اتحادیهٔ غیبی نسوان» امضا کرده، به انتقاد از عملکرد نمایندگان پرداخته و خواهان تصویب هرچه زودتر قانون و روشن ساختن تکلیف مردم جامعه شده است. وی در جملاتی زنان را نیز دارای حقوق و

شأنی مساوی با همهٔ افراد اجتماع دانسته و نوشته است: «امروز بر احدی پوشیده نیست که هر بیوه زنی به این مجلس دارالشورای ملی حق دارد و ما امروز حقوق خودمان را می‌خواهیم. امروز یک پسر برای ما یک مغز دارد و باید قدر او را بدانیم، شاه یک مغز دارد، بنده هم که نمایندهٔ اتحادیهٔ نسوانم یکی، تنها او شاه است و من گدا».(۳۵) و در انتها ضمن یادآوری ذهنیت جامعه نسبت به زن، با تعیین ضرب‌العجل برای نمایندگان، از آنان می‌خواهد، که در صورت موفق نشدن، فقط ۴۰ روز امور جامعه را به دست زنان بسپارند».(۳۶) تا در این مدت، نمایندگان و وزیران جدیدی برگزیده شوند و ضمن تدوین برنامه‌ای جدی، کشور از نو سازمان پذیرد و با ایجاد یک رفاه اجتماعی، گرسنگان تغذیه شوند و انواع خودکامگی ریشه‌کن گردد. نامه مزبور چنین ادامه می‌یافت: «ما به تدوین قانون خواهیم پرداخت و کار پلیس را هماهنگ خواهیم گردانید و به تعیین استانداران و فرمانداران همت خواهیم گمارد و قواعد و مقررات مشخص به ایالات خواهیم فرستاد و ظلم و خودکامگی و بی‌رحمی را از عرصه زندگی مدنی برخواهیم افکند. ما به انبارهای غلات ثروتمندان یورش خواهیم برد و برای توزیع نان، سازمانی مناسب به وجود خواهیم آورد. ما حق مردم را از وزیران خواهیم گرفت و به تأسیس بانک ملی دست خواهیم

یازید. ما قوای عثمانی را پس خواهیم راند و زنان زارع قوچانی را به خانه‌هایشان باز خواهیم گردانید و به تمشیت امور شهری همت خواهیم گمارد و آب مشروب تمیز در اختیار مردم خواهیم گذارد. ما کوچه‌ها و خیابان‌ها را پاکیزه خواهیم ساخت و برای امور شهر سازمانی شهری تدارک خواهیم گردانید و آنگاه خود کنار خواهیم رفت تا دیگران بیابند و اصلاحات دیگر را انجام دهند» (۳۷)

«مورگان شوستر در مورد انجمن‌های زنان و حمایت‌هایی که آنها از وی به عمل آورده‌اند، اشاراتی دارد که در کتاب اختناق ایرانی انعکاس یافته است. هر چند شناخت کامل زنان فعال ایران و انجمن‌های ایشان برای وی میسر نگردیده است، با این همه شوستر می‌نویسد که نفوذ عظیم و در عین حال مخفی زنان در کشور، بسیار زیاد است؛ «نام زنان این گروه تاکنون بر من معلوم نیست و چهره آنها را نیز نمی‌شناسم، اما به طرق گوناگون دریافته‌ام که همواره مورد حمایت هزاران تن از شیر زنان میهن‌پرست ایرانی که اصطلاحاً آنها را ضعیفه می‌نامند، قرار گرفته‌ام.» (۳۸)

انتشار روزنامه نیز از دیگر فعالیت‌های ارزشمند زنان در عصر مشروطیت است. به خصوص وقتی این اقدام آنان را با توجه به دوره‌ای که در آن می‌زیستند ارزیابی

کنیم، اهمیت آن چشمگیرتر می‌شود.

اولین نشریهٔ زنان «دانش» به مدیریت خانم دکتر کمال بود، که از سال ۱۳۲۸ هـ.ق. به صورت هفتگی چاپ می‌شد. به امور خانوادگی می‌پرداخت و از امور سیاسی به کلی دوری می‌جست.[۳۹]

این مجله با این که اولین تجربهٔ زنان در امر روزنامه‌نگاری به حساب می‌آمد، تا حدود زیادی در برآورده ساختن اهداف خود موفق بود. و در شناساندن زنان به اجتماع تأثیر بسیار گذاشت.

از نشریات مهم دیگر که زنان چاپ و منتشر می‌کردند، مجله مصور شکوفه است که در سال ۱۳۳۱ هـ.ق. به مدیریت خانم «مزین‌السلطنه» رئیس مدرسه مزینیه منتشر شد. بیشتر مطالب و مقالات شکوفه مربوط به مدارس نسوان و امور بانوان بود.[۴۰]

از جمله مطالبی که در نشریهٔ شکوفه چاپ شد، مقاله‌ای است با عنوان «آگاهی یا حقیقت مطلب» که در آن نویسنده ضمن بر شمردن مزایا و عوارض تربیت و تربیت نیافتگی زنان، به وجود آمدن احساساتی را چون «حب وطن» «خدمت به نوع» «شرف ملی» «افتخار مذهبی» «فداکاری در راه وطن» در سایهٔ وجود مادرانی عالمه می‌داند.[۴۱]

اقداماتی که برای زنان برشمردیم، از دیدگاه ناظران

خارجی نیز اهیمت یافت.

مورگان شوستر امریکایی درباره نقش‌های متنوع زنان در مشروطیت می‌نویسد: «زنان محجبه شب هنگام معلم، روزنامه‌نگار، پایه‌گذار باشگاه زنان می‌شوند و زنان به سرعت جذب این گونه فعالیت‌ها می‌کردند، کاملاً عقاید تازه دارند، علاقه آنها شبیه شرکت‌کنندگان در جنگ‌های صلیبی است».(۴۲)

در سالهای بعد از مشروطیت و همزمان با آغاز حکومت رضاشاه انتشار روزنامه و تشکیل انجمن‌های زنان شتاب بیشتری یافت. ولی متأسفانه در بسیاری از آنها نفوذ عناصر وابسته و تلاش آنان برای دستیابی به اهداف فرهنگی حکومت پهلوی، باعث شد که از ارزش و اعتبار حرکتهای آنان نسبت به پیشگامان حرکت زنان در مشروطیت کاسته شود.

بطور کلی، اقدامات زنان در زمینه‌هایی که بر شمردیم بسیار ارزشمند بو، و به عبارتی، مشروطیت فرصتی فراهم آورد تا ارزش‌های ناشناخته و استعدادهای ذاتی زن ایرانی، بروز بیشتری یابد و پوستهٔ پوسیدهٔ سنت‌های غلط که حضور جدی و فعال زن را بر نمی‌تافت، شکافته شود. به واقع زنان در عصر مشروطیت و پس از آن نشان دادند که حتی وقتی میدان عمل محدودی برایشان گشوده شود، نیک می‌دانند که چگونه برای ارتقای خود و جامعه قدمهای بلندی بردارند.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ میرزا ابوالحسن‌خان ایلچی: حیرت‌نامه، به کوشش حسن مرسلوند، (تهران، رسا، ۱۳۶۴)، ص ۲۲۷.

۲ـ رضا قلی‌میرزا: سفرنامهٔ رضا قلی میرزا نایب‌الایاله نوهٔ فتحعلی شاه، به کوشش اصغر فرمانفرمائیان (تهران، اساطیر، ۱۳۶۱)، ص ۷۹۰.

۳ـ تاج‌السلطنه: خاطرات تاج‌السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه، (تهران، نشر تاریخ، ۱۳۶۲)، ص ۷.

۴ـ مادام کارلاسرنا: آدمها و آئینها در ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، (تهران، زوار، ۱۳۶۲)، ص ۷۳.

۵ـ فریدون آدمیت و هما ناطق: افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشدهٔ دوران قاجار، (تهران، آگاه، ۱۳۵۶،)، ۲۵ ـ ۲۴.

۶ـ ابراهیم تیموری: تحریم تنباکو، (تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۸) ص ۱۵۴ ـ ۱۵۲.

۷ـ فریدون آدمیت: اندیشهٔ ترقی و حکومت قانون در عصر

سپهسالار، (تهران، خوارزمی، ۱۳۵۹) ص ۷۹ـ۷۸.
۸- گزارش‌های «هرگون» از تبریز، اوت ۱۸۹۵ اسناد وزارت امور خارجه فرانسه جلد ۴۲ به نقل از هما ناطق: نگاهی به برخی نوشته‌ها و مبارزات زنان در دورهٔ مشروطه، مجلهٔ کتاب جمعه، شمارهٔ ۳۰، سال اول، ۲۳ اسفند ۱۳۵۸، ص ۵۴ـ۵۳.
۹- یحیی دولت‌آبادی: حیات یحیی، ج ۲، (تهران، عطار، ۱۳۶۱)، ص ۲۶.
۱۰- مهدی ملکزاده: تاریخ مشروطیت ایران، (تهران، علمی، ۱۳۷۱)، ص ۲۸۴ـ۲۸۳.
۱۱- عبدالحسین ناهید: زنان ایران در جنبش مشروطه، (تبریز، احیاء، ۱۳۶۰)، ص ۵۵.
۱۲- احمد کسروی: تاریخ مشروطه ایران، (تهران، امیرکبیر ۱۳۵۷)، ص ۳۱۵ـ۳۱۳.
۱۳- ناظم‌الاسلام کرمانی: تاریخ بیداری ایرانیان، (تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶) ص ۳۶۳ـ۳۶۲.
۱۴- همان، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، (تهران، آگاه نوین، ۱۳۶۲) ج ۴، ص ۹۳ـ۹۲.
۱۵- همان
۱۶- «چه مردی بود کز زنی کم بود» روزنامهٔ ندای وطن، شمارهٔ ۱۲، محرم ۱۳۲۵ هجری قمری ص ۷ـ۸.
۱۷- ژانت آفاری: انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت

مشروطه، ترجمهٔ دکتر جواد یوسفیان (تهران، بانو ۱۳۷۷)، ص ۱۲.

۱۸ـ م. پاولویچ و دیگران: انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن، ترجمه م. هوشیار، (بی‌جا، رودکی، ۱۳۵۷)، ص ۵۲ ـ ۵۱.

۱۹ـ مورگان شوستر به نقل از کوماری جایواردنه: مبارزات زنان در ایران، ترجمه مه لقا کاشفی، مجموعه مقالات جنس دوم، گردآورنده نوشین احمدی خراسانی (تهران، نشر توسعه، ۱۳۷۷)، ص ۱۰۱ ـ ۱۰۰.

۲۰ - «تربیت نبات»: جبل المتین جمادی الثانیه ۱۳۲۴ هـ ق، شمارهٔ ۴۶.

۲۱ - ژانت آفاری: همان ۱۷ ـ ۱۶.

۲۲ـ همان: ص ۱۷.

۲۳ - روزنامهٔ تمدن: ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ هـ ق، سال اول، شمارهٔ ۱۵، ص ۲ ـ ۳.

۲۴ـ بدرالملوک بامداد: زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، ج ۱، (تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۷)، ص ۴۳ ـ ۴۱.

۲۵ـ «جشن مدرسهٔ ناموس»: روزنامهٔ ایران نو، پنج‌شنبه ۱۱ ذی‌القعده الحرام ۱۳۲۷ هـ ق سال اول، شمارهٔ ۷۴، ص ۲.

۲۶ - همان.

۲۷ـ ژانت آفاری: همان،، ص ۱۲.

۲۸ـ بدرالملوک بامداد: همان، ج ۲، ص ۷ و ۸.

۲۹ـ همان، ج ۲، ص ۱۵.

۳۰ـ «مقالهٔ مخدرات»: روزنامهٔ ندای وطن، چهارشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۲۲ شمارهٔ ۷۰، ص ۴ـ۲.

۳۱ـ عبدالحسین ناهید: همان، ص ۶۳.

۳۲ـ پری شیخ‌الاسلامی: زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران، (تهران، مؤلف، ۱۳۵۱)، ص ۷۸ـ۷۶.

۳۳ـ ژانت آفاری: همان، ص ۳۶ و ۳۷.

۳۴ـ همان.

۳۵ـ مقالهٔ مخدرات، همان.

۳۶ـ همان.

۳۷- ژانت آفاری: همان، ص ۳۴.

۳۸ـ موگان شوستر به نقل از ژانت آفاری: همان، ص ۲۵.

۳۹ـ روزنامهٔ دانش، دهم رمضان، سنهٔ ۱۳۲۸ هجری قمری، شمارهٔ ۱، ص ۲.

۴۰- محمد صدر هاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران، (اصفهان، کمال، ۱۳۶۳)، ج ۲، ص ۸۱ـ۸۰.

۴۱- روزنامهٔ شکوفه: ۲ شنبه نهم ربیع‌الثانی ۱۳۳۱ هـ‌ق، سال اول، شمارهٔ ۶، ص ۲.

۴۲- مورگان شوستر، به نقل از کوماری جایواردنه، همان، ص ۱۰۲

از مجموعه تاریخ منتشر کرده‌ایم:

۱. **تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران «ندای وطن»**

نوشتهٔ شادروان دکتر محمد اسماعیل رضوانی

۲. **نقش زن در ایران باستان**

نوشتهٔ دکتر شیرین بیانی

۳. **تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران «روزنامه رهنما»**

نوشتهٔ شادروان دکتر محمد اسماعیل رضوانی

The Status of Woman in the Constitutionalism Revolution

by Maryam Fathi

History Collection (4)

September 2000

Women Association of
History Researchers